سردندی در پیش بینی معياری برای ارزیابی اطلاعات حسابداری

ترجمه و تلخيص: حمید خالقی مقدم

یکی از مهمترین مسائل حرفه حسابداری، ارزیابی روش‌های متفاوت انداده‌گیری در حسابداری است. در رابطه با این مسئله، دو محقق به نامهای Jaedick و Ijiri حسابداری استادی در رابطه با این مسئله به همکاری در مقاله دریافتند.

داستان دارد: حسابداری با استفاده از روش‌های متفاوت انداده‌گیری موجود، فلج شده است. حالا هستی که حسابداری در پی معياری هستند که بتوانند با استفاده از آن، بهترین روش انداده‌گیری را انتخاب نمایند.

سودندی در پیش بینی، یکی از معيارهای مورد عمل می‌باشد که متعلق به تحقیقات تجربی است، با توجه به این معيار، انداده‌گیری‌های حسابداری بر حسب توان پیش‌بینی روبروی داده‌های مورد نظر تصمیم گیرنده مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بهترین انداده‌گیری، روشی است که برای هدفی خاص دارای بالاترین توان پیش‌بینی از نظر روبروی داده مورد نظر باشد.

این معیار تأکید کنن در موارد مختلف بکار برده شده است. بودن سود مندی روشن‌های Brown و Green اندوزگی سودی را در پیش‌بینی ارزش بازار شرکت مورد حقیقت قرار داده است. 

کلیه مقالات Segall ارزیابی گزارش‌های میاندوره‌ای را با توجه به مشمرده‌ی بودن آنها در پیش‌بینی سود سالانه توان پیش‌بینی داده‌های حسابداری را با توجه به نسبت‌های مالی Horrigan و تغییرات در درجه‌بندی اوراق قرضه حقیقت قرار داده است. 

کلیه مقالات Beaver اندوزگی-گیره‌های حسابداری را به عنوان معیارهای پیش‌بینی کننده ورشکستگی و عدم پرداخت به موقع به‌دیکه مورد مطالعه قرار داده است.

از آنجاییک معیار توان پیش‌بینی در حال حاضر مورد استفاده است و احتمال می‌رود که در آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرد، در این مقاله منشاء این معیار، تهیه در تصمیم‌گیری و مشکلات کاربرد آن بررسی می‌شود. به منظور نشان دادن تأثیر این معیار در تصمیم‌گیری از یک مثال قرضی (اجاره‌های مالی) استفاده شده است. هدف از این مثال ارائه بحث در رابطه


2- David Green, Jr. and Joel Segall, "The Predictive Power of First - Quarter Earnings Repots; A Replication", Empirical Research in Accounting; Selected Studies, 1966 (Institute of Professional Accounting, Graduate School of Business, University of Chicago, 1967), PP. 21-36.


باگذارش دهی از نظر سودمندی روش‌های گوناگون در پیش‌ریزی عدم پرداخت به‌دست‌می‌آید.

نتوانتی شرکت در پرداخت به‌دست‌می‌آید به دو علت به عنوان یک متغیر وابسته انتخاب شده است. مجموعه برگزی از مقاله‌های حسابداری در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی بین‌گرو این است که نتیجه‌های شرکت‌ها در پرداخت به‌دست‌می‌آید یکی از ویژگی‌های مورد توجه تصمیم‌گیرندگان (مثل باک‌کارها) است. تحقیقات ذکر شده ارتباط بین اندازه‌گیری حسابداری و پیش‌بینی نتایج شرکت در پرداخت به‌دست‌می‌آید و را مورد تأیید قرار داده است. یک اثری، مؤید این است که احتمال Walter الگوی جریان تأثیر مهیان الگویی که بوسیله نتایج شرکت در پرداخت به‌دست‌می‌آید و تابعی است از نسبت جمع بدهی به جمع دارای‌های شرکت. اما این الگو به‌ترتیب نوع عملی اندازه‌گیری دارای‌های و به‌دست‌می‌آیدها مشخص نمی‌کند. مسئله بحث برانگیز اجبار مالی مبنی بر روش اندازه‌گیری (سرمایه‌ای یا غیر سرمایه‌ای) تلقی کردن اجباره است.

تحقیقات قبلی و استدلال‌های آورده شده مؤید آن است که هر دو روش معنی‌دار است و هر دو روش از طرف گروهی متفاوت تلقی می‌شود. در بالا الگوی وجوه نقد هر یک از روش‌ها به طور عملی و تجریب قابل آزمون است. اگر سرمایه‌ای تلقی کردن اجباره، اندازه‌گیری بانکی از دارای‌های و به‌دست‌می‌آیدها را به دست داده‌اند نسبت به‌دست‌می‌آید به دارای‌های که حاوی ارزش سرمایه‌ای شده اجرایه جزئی از آن را تشکیل می‌دهد در مقایسه با نسبت به‌دست‌می‌آید به دارایی که سرمایه‌ای شدن و تفاده‌ی اجرایه است، شاخه‌هجیری در پیش‌بینی نتایج شرکت در پرداخت به‌دست‌می‌آید و می‌باشد.

جهت تجربی یک چنین تحقیق مفروضی مستلزم جمع‌آوری نمونه‌هایی از صورت‌های مالی شرکت‌هایی که نسبت به پرداخت وام‌ناتوان مانده‌اند و شرکت‌هایی که در این زمینه مشکلی نداشتند، می‌باشد. نسبت به‌دست‌می‌آید به دارایی را می‌توان برای هر یک از شرکت‌ها با دو روش حسابداری (سرمایه‌ای و غیر سرمایه‌ای) تلقی کردن اجباره مقایسه کرد. هدف این است که

مشاهده شود کدام نسبت بدهی به دارایی می‌تواند بهتر پیش‌بینی کند. یکی از شاخص‌های توان پیش‌بینی به وسیله آزمایشات دوگانه انجام می‌شود که در این آزمایش شرکت‌ها را تنها با توجه به نسبت بدهی به دارایی به دو دسته‌شکه‌هایی که در پرداخت بدهی ناتوان ماندند یا چنین مسأله‌ای نداشتند تقسیم بندی شده‌اند. این طبقه‌بندی را با یک شرایط واقعی شرکتهایی که نتوانستند در عمل تمام‌ها را به موقع بهدازند مقایسه می‌کنیم تا بتوانیم بدان و سیله درصد خطا پیش‌بینی را مشخص کنیم (هر قدر این خطا کمتر باشد توان پیش‌بینی بهتر است). روش انداده‌گیری که خطای پیش‌بینی‌اش در عدم توان شرکت در پرداخت بدهی کمتر باشد به عنوان روش بهتر و با معنی‌تر (با توجه به هدف مورد نظر) خواهد بود.

منشأ معیار توان پیش‌بینی

آگاهی از منشأ معیار توان پیش‌بینی از آن جهت حائز اهمیت است که در فهم معنی و علت کاربرد آن را در ارزیابی اطلاعات حسابداری مشخص می‌کند. این معیار را در علوم اجتماعی و طبیعی به عنوان می‌یابد یا افتاده در انتخاب بین فرضیات رقیب بکار می‌برند و شاخصی شناخته شده است. یک روش‌های متفاوت انداده‌گیری در حسابداری دارای همان خصوصیات فرضیات رقیب هستند و می‌توان در هر یک از آنها را به روش مشابه مورد ارزیابی قرار داد. خصوصیات مشترک بین فرضیات رقیب و روش‌های متفاوت انداده‌گیری در حسابداری به شرح زیر است:

1- هر دو تجربی هستند، معنی جنبه‌هایی از واقعیت را که به نظر به رابط می‌رسند حذف و فقط عوامل عمده‌ای که برای هدف معین ضروری است در نظر می‌گیرند. از انجا که رابط زیادی برای تجربی از یک واقعیت وجود دارد، روش‌های متعددی وی مانع و جمله می‌توانند بوجود آید. از این رو نیاز به یک سری معیار جهت انتخاب بین روش‌ها می‌باشد.

2- یکی از پایه‌های ارزیابی، آزمون خصوصیات منطقی آنها است. اگر چه رعایت این

آزمون‌ها لازم است اما، برای انتخاب بهترین روش کافی نیست. شاید دور از چند روش از نظر آزمون‌های منطقی، درست از آب در آید که در چنین حالتی بحث منطقی تر بودن یکی از روش‌ها بیهوده است. در نهایت انتخاب یاد بر اساس آن حالت از تجربیات جنبه‌های ذی‌ربط واقعیت را بهتر در بردارد، صورت پذیرد. از این رو شاخص دیگری برای ارزیابی روش‌های متفاوت بر حسب هدفی که به وجود آمده‌اند مورد نیاز است.

3- هدف اولیه پیش‌بینی رویدادها است، از این رو مقایسه روش‌ها با توجه به توان نسبی پیش‌بینی آنها یکی از منابع معنی‌دار برای ارزیابی است. ما توان پیش‌بینی را به این صورت تعریف می‌کنیم: توان ارائه کاربردهای عملی (مثل پیش‌بینی‌ها) و امکان تأیید پیش‌بینی‌ها به وسیله‌های تجربی که متناقض با دست خواهد آمد. به بیانی دقیق‌تر پیش‌بینی عبارت است از بیان احتمال توسعه متغیر وابسته (یعنی رویداد مورد پیش‌بینی) با توجه به مقدار متغیر مستقل (پیش‌بینی کننده). اصولاً در بیان پیش‌بینی رابطه‌ای بین X و Y وجود دارد که حاصل این توان پیش‌بینی به معنای صحت آن است. یا یاد با تحقیقات تجربی صحت آن را تعمیم کرد. یعنی با توجه به مقایسه پیش‌بینی‌ها و آنچه واقع شده، دقت و صحت پیش‌بینی را آزمون کرد. از این رو تعمیم توان پیش‌بینی بالفوره یک به تجربی است.

4- در کاربرد معیار تووان پیش‌بینی فرض بر این است روش‌های متفاوت حساس‌داده از آزمون‌های منطقی و استدلالی گذشت که هر یک از روش‌ها ممکن به نوعی تئوری است. تعمیم تووان پیش‌بینی یک جستجوی جدایگان برای یافتن روش‌های که حداکثر همبستگی (R^2) را داشته باشد (یا به شاخص دیگری از روش پیش‌بینی)، نیست. تئوری توجه و تشخیص می‌کند که چرا یک روش خاص انتظار می‌رود با متغیر وابسته ارتباط داشته باشد و به محقق این امکان را می‌دهد که از دستاوردیده‌ای خود در رابطه با نمونه‌ها به یک مجموعه‌ای از مشاهدات دست‌یابد. در نتیجه برای یک ارزیابی کامل هم تئوری و هم تحقیقات تجربی دخالت دارد.

مثال انتخابی در این مقاله (اجاره) تمام نکات فوق را دارد. هر یک ز روش‌ها (اعم از سرمایه‌ای یا هزینه تقلی نمودن اجاره) چیزی جز یک تجربی نیست. یکی از مبانی برای گزارش هر روش گذار از آزمون منطقی بودن و متقای به ثویل خاصی می‌باشد، اما در این مورد، یک روش‌های متفاوت انداده‌گیری اجاره‌های مالی با یکدیگر کرد که دلایل هیچیک از آن دو بالاقتربه گیر منطقی نمی‌باشد. از این رو نمی‌توان این مسئله را تناها با توجه به استفاده منطقی و نظری حل کرد. مهم‌ترین ترجیح روش سرمایه‌ای تقلی نمودن اجاره صرفه جویی به دلیل اینکه روش هزینه تقلی کردن فقط بخشی از جنگیهای رویه‌دار را می‌پوشاند، انتخابه است. گفتگو این که یک روش انداده‌گیری نسبت به دیگری جنبه‌اتنزاقی بیشتری دارد، حال انتخاب آن روش نیست. اطلاعات اضافی که در روش سرمایه‌ای تقلی نمودن اجاره حاصل می‌شود، می‌تواند (با توجه به هدف مورد نظر) غیر مربوط و حتی به علت ایجاد پرخاش در سیستم اطلاعاتی مضر باشد. لذا روش حسابداری برای اجاره‌نما باید با کاربرد یک شاخص هدف‌دار انتخاب شود که در این مورد معیار هدف‌دار «تونت پیش‌بینی» است.

می‌توان موضوع بحث فوق را غیر از اجاره به موارد دیگری نیز تمایم داد. اکثر بحث‌های حسابداری عموماً درباره منطقی بودن انتخاب یک روش انداده‌گیری نسبت به روش یا بروش‌های دیگر می‌باشد. همچنین انتخاب بر حسب منطقی و نظری برای این انتخاب کافی نیست. مقالات زیادی به عدم کفایت بحث‌های نظری اشاره داشته و خواص‌های تحقیقات تجربی بیشتری در زمینه حسابداری شده‌اند. یکی از عواملی که در این راه عامل باردارنده بوده است، این است که حسابداری را به صورت کامل تحقیق تجربی می‌باشد. با این وجود، همگی در این که تحقیقات تجربی با یک میزان محدودی که گوناگون سنگش را با هدف اطلاعات حسابداری مرتبط سازد، هم‌نظر هستند. روش مبتنی بر توان پیش‌بینی اطلاعاتی را نیاز می‌آورد که می‌توان بر اساس آن مباحث نظری روش‌های متفاوت را با هدف از پیش‌بینی شدن‌هایی به محک آزمون گذاشت.

رابطه اطلاعات حسابداری با هدفهای تهیه آن

مسئله اصلی در پذیرش این روش، قبول میانگر "توان پیشین" به عنوان یک میانگر هدفدار می‌باشد. در این بخش این باور را به صورتی دقیقتر مورد بررسی قرار می‌دهیم و میانگر توان پیشین را با انجام که حموماً هدف اطلاعات حسابداری تلقی می‌شود؛ (تسهیل در تصمیم‌گیری) مرتبط می‌سازیم.

اینکه اطلاعات حسابداری را با یاد بوده به اهداف یا کاربرد آنها مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. اینک از قدمی‌ترین اندیشه‌ها و راه‌های نکرده در این زمینه بوده است. در سال ۱۹۲۲ Paton

به این نتیجه رسید: 

"حسابداری یک رشتی بسیار هدفدار است و هزینه اصلی روش با یاد نهایتاً بر

اساس تأمین هدفهای مورد نظر توجه گردیده.

همچنین انجمن حسابداری آمریکا در بیانیه تئوری حسابداری چنین می‌نویسد: در

تدوین استانداردها میانگر جامع، میانگر بودن اطلاعات است." 

به رغم این ابراز نظرهای آمارکاری مبینی بر اینکه داده‌های حسابداری با یاد مشترک باشند,

اما در کاربردهای عملی در نظر گرفته نشده است.

بیان می‌کند: "اگر اطلاعات حسابداری با یاد میانگر باشد، ضرورت استفاده از

نوعی مفاهیمی یا نوعی تئوری قابل آزمون است تا با قرار بر اساس آزمون روش‌های میانگر را از روشهای غیر‌میانگر متمایز ساخته... علت اصلی بوجود آمدن روش‌های متافاوت و بعضاً متضاد

در حسابداری فعال، عدم استفاده از مفاهیم و تئوری‌های قابل آزمون است." 

یکی از دلایل اصلی، ناتوانی در آزمودن مشترک بودن اطلاعات حسابداری، تفسیرهای


متفاوت از واژه "مفید بودن" است. تقریباً بدون استثناء ادبیاتی که در این زمینه وجود دارد موضوع مفید بودن را به سه تکنیک مرتبط ساخته است. ارجحیت مفید بودن اطلاعات در تصمیم‌گیری هم به وسیله Paton و هم در بینانی نشوری حسابداری انجمن حسابداری مورد تأیید قرار گرفته است: "هدف از حسابداری جمع‌آوری و تفسیر اطلاعات مالی است... تا یک راهنمای صحیح عملیاتی می‌باشد، این استفاده مدیریت، سرمایه‌گذار و سایر گروه‌های ذی نفع فراهم آورده." 

کمیته "بیانیه نشوری حسابداری" انجمن حسابداران آمریکا در تعیین حسابداری چنین می‌نویسد: "حسابداری فرایند شناسایی، تغییرات و مبادله اطلاعات اقتصادی است که استفاده کنندگان بتوانند بر اساس آنها اگاهانه قضاوت با تصمیم‌گیری‌های کنندا." 

به هر حال کاربرد معیار تصمیم‌گیری با دو مشکل مواجه است: اول تعیین الگوی تصمیم‌گیری (با فراگدن تصمیم‌گیری) استفاده کنندگان بالقوه اطلاعات حسابداری است. این مسائل به شرح زیر مورد توجه و Anton Vatter قرار گرفته است: "اگر ما یک دیگر عامل اتخاذ کنیم (زیمن اطلاعات با یک برای هدف‌های تصمیم‌گیری باشد)، معیار انتخاب بر حسب اهمیت آن در تصمیم‌گیری است. اینگونه معیار هدف‌دار، توجه ما را به اینکه چه شخصی تصمیم‌گیرنده است و تا چه حد ناامتنانی دارد جلب می‌نماید." 

مشاهده، تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی با یک درجه تصمیم‌گیری باشد این مفهوم دیدگاه است که با تجربه گذشته، تصمیمات حال و آینده را تسهیل می‌کند، بدون اینکه تصمیمات اخذ شود. اینکه چگونه می‌توان این خط ظرفی را ترسیم کرد به نوع تصمیمات و چه کسی آنها را اتخاذ می‌کند و چه اطلاعاتی برای آن هدف ذی‌ربط می‌باشد بستگی دارد. این

2- American Accounting Association, OP. Cit., P. 1.
پرسش‌ها کماکان بدون جواب باقی مانده است.

اکثر تصمیمات تجاری کنونی در چارچوب یک الگوی رسمی تصمیم‌گیری گرفته نمی‌شود. تعیین یک مدل تصمیم‌گیری، هیچ الگوی وجود ندارد که بتوان بر آن مبنای روش‌های متغیر حسابداری را مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد. موردی را در نظر بگیرید که یک مامور دایر اعتبارات بانکی می‌خواهد در مورد دادن وام تصمیم بگیرد. ویژگی‌های مدل تصمیم‌گیری او مستلزم آگاهی از متغیرهای تصمیم‌گیری است و تعیین اهمیت نسبی یک از آنها در مدل تصمیم‌گیری می‌باشد. همچنین محدودیت‌هایی که مامور دایر به آن روبروست یک مشخص شود. احتمال کمی وجود دارد که فرد تصمیم‌گیرندگی بتواند یک الگوی رسمی ارائه کند که بانگر ضریب تصمیم‌گیری خود را شریک دهد. اگر چه می‌توان قاعدتاً به اصطلاح سرانگشی یافت، مثل‌نظر نباید به شرکتی قرار داد که نسبت جایی آن از ۲ کمتر است. اما تعیین مدل تصمیم‌گیری که یک روش انتخابی، بکار گرفته بسیار مشکل است. تعیین مدل‌های تصمیم‌گیری، در اکثر موارد، ورای وضع جایی از نظر میزان داشت و اطلاعات است. اگر چه تحقیقات در علی‌العهد و سایر روش‌های کمی نویدبخش تعیین مدل‌های بیشتری در آینده است، ولی به روش‌های مشخص نیست، در چه زمانی و تا چه حداً می‌توان به این مدلهای دست یافت.

دومین مسئله این است که حتی پس از تعیین الگوی تصمیم‌گیری، تعیین روش‌های حسابداری که یک مدل تصمیم‌گیری به‌هست کار ساده‌ای نمی‌باشد. بررسی از یک مدل اعتبارات بانکی می‌توان از راه‌های متعدد انتخاب‌های مورد نمود. برای مثال، فرض کنید که یک مامور اعتبارات بانک تنها میزان را در نظر دارد. پازگشتن‌اصل سرمایه و تعیین درجه احتمال ناتوانی وام گیرنده در بازاردادخت وام باشد. در مورد اجراهای بلدن مدت

---


(پنجمی دادن وام) مسئله، تعیین درجه احتمال عدم پرداخت وام است. بايد ديدگي آيا مي‌توان
از نسبت بدهي به دارايه به عنوان روشي برای تعیین عدم توان مالي وام مي‌گيرنده استفاده کرد یا
خیر؟ در مورد اينکه از چه نسبتی مي‌توان استفاده کرد، بايد اطلاعات بيشتري در دست
داشت.

در اين مقطع رابطه بين سودمندي در پيچبیني و تصميم گيري آشكار مي‌شود. توجه كنيد
كه بين پيچبیني و تصميم گيري فاصله وجود دارد. در رابطه با تصميمی که مأمور بانک در
خصوص دادن وام مي‌گيرد، مسئله پيچبیني از آنجا شروع مي‌شود كه مأمور بانک بخواهد
tوان با پرداخت وام را تعیین كند، اگر وامهاي که بانک به يک شرکت مي‌دهد بر مبنای يک
سلسله نسبتي مالي داده شود. تصميم اين است كه آيا بانک بايد چنین وام را بدهد یا
خیر؟ كه آن هم مستلزم رعایت عوامل ديگري مثل بازيگشت وام مي‌شود. مي‌توان بدون
تصمیم گیری پیشبینی نمود ولي بدون پیشبیني نمی‌توان تصمیم گرفت.

در دنيایي که اطلاعات چندان زيادي در مورد سهلاني تصمیم گیری در دست نیست،
ارزيابي یا تصمیمگیری در مورد معيارهاي انتخاب روش حسابداري بر حسب سودمندي در
پيچبیني يکي از مطالب مورد درخواست جامعه مي‌باشد زيرا، اين انتخاب مستلزم سطح
پاتیين ترين از مشخصات قاطع در رابطه با مدل تصمیمگیری است. برای ارزيايي یا قضاوت
در مورد شيوه‌هاي عملكرد روش‌هاي حسابداري اجبار بر حسب سودمندي در پيچبیني عدم
پرداخت وام، ما تنها فرض خود را بر اين مي‌گذاريم که احتمال عدم پرداخت وام يکي از
پارامترهاي مهم تصميم گيري است. با وجود اينكه در مورد شيوه‌هاي كه مقام دايره اعتبارات
بانک از معيار عدم پرداخت وام استفاده مي كنند اطلاعات زيادي تداريم. از اين رو مي توان
سودمندي در پيچبیني داده‌هاي حسابداري را مورد توجه قرار داد و به ويزجيهاي مدل
تصمیمگیری توجه نکرد.

از آنجا كه پيچبیني جزء لاينفک تصمیمگیری است آگاهي از سودمندي در پيچبینی
ضروري است. در همين زمان مي‌توان در رابطه با شخصهاي مختلف اندازهگيري به نتياج
آزمایشي دست یافت و در نهایت، اين امر به اثبات مي‌رسد كه در چه زمانی باید از ويزجيهاي
مدلهاي تصمیمگیری استفاده كرد. سودمندي در پيچبیني كاربردهاي نسبتيا زيادي دارد. اين
یکی از مشکلات اجرایی، تعیین روتیداده‌هایی است که تأثیر پسانته‌ی مدل‌های تصمیم‌گیری و ریزگی توری است که این روتیده‌ها به گوناگونی با معیارهای حسابداری بر اساس نوعی رابطه پیش‌بینی مرتبط می‌گردد. تحقیقاتی که پیش از این یادآور شدید نشان دهند برخی از روتیده‌های است که می‌توان آنها را پیش‌بینی کرد. همچنین نتیجه‌ی مجموعه‌ی سرمایه‌گذاری‌ها (بورتونلویویژن)، زمینه‌ی مناسبی برای ارائه متغیرهای وابسته است. در عین حال هنوز به طور کامل رویاب بین مدل‌های مجموعه‌ی سرمایه‌گذاری‌ها و داده‌های حسابداری مشخص نشده است. یک تحقیق ساده در رابطه با زمینه‌هایی که از آن متغیرهای وابسته و تنشوری پیش‌بینی نشان دهنده کارایی زیادی باقیمانده است که با انجام گیرد.  

2- دستاوردهای یک تحقیق در زمینه‌ی معیار سودمندی در پیش‌بینی مستلزم تعیین نوع رابطه‌های است (مثلاً به

صورت خطي و به تعریفی که از متغیرها می‌شود تستگی ذار دارد. فرض برای تحقیق در رابطه با اجبار مالی، یافته‌ها به نرخ‌های تنزیل و مجموعه تستهای مالی خاص مورد استفاده، تستگی ذار دارد. اگر دو دسته از تست‌ها (سربایهای و غیر سربایهای) از نظر سودمندی در پیش‌بینی تفاوتی وجود نداشته باشد، نتیجه حاصل به موارد زیر تستگی ذار:
الف - نرخ تنزیل، نرخ مناسبی نبوده است.
ب - استفاده از نسبت، برای بیان رابطه بین اقلام صورت‌های مالی روش مناسبی نمی‌باشد.
ج - تستهای خصوصی مناسب برای پیش‌بینی عدم توانایی شرکت در بازار داده وام نسبت‌های مطلوبی نمی‌باشند.
د - سربایهای تلفی نمودن اجرای موجب افزایش توان پیش‌بینی نیست.
در رابطه با (الف)، (ب) و (ج) با آگاهی تحقیقات بیشتری انجام داد تا بتوان به نتیجه (د) دست یافته. معیارهای حسابداری و مدل پیش‌بینی به صورت همزمان مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. نتایج تست‌های هر دو را تأیید کرده در حالت که نتایج منفی احیاناً مؤید نص کوچکی در بی‌بی‌یا در هر دو آنها می‌باشد. در مرحله عمل، فکرک مربوطی که موجب نتایج منفی شده است مشکل خواهد بود.
مشکل دیگری در رابطه با نتایج تست (یعنی زمانی که تفاوت فاقد، بنیابین) حسابداری مختلف مشاهده می‌شود و وجود دارد. برای مثال فرض که در یک مدل ساده، پیشین تست‌ها، نسبت ارزش فعال به‌دست‌آید به‌دست‌آید از نسبت به دیه‌هایی تنزیل شده به دارایی‌ها بیشتر عمل می‌کند. اگر نسبت‌های دیگر در این مدل پیش‌بینی گنجانده شود نسبت به‌دیه‌هایی تنزیل شده به دارایی‌ها ممکن است در مدل چند متغیره در مقایسه با نسبت ارزش فعال به‌دست‌آید به دارایی‌ها نقش مهم‌تری را ایفا کند. اگر مدل‌های گوناگون در رابطه با سودمندی نسبی پیش‌بینی دو مورد اجرا از نظر اکثریت به نتایج مختلف با متضاد انجام‌داده، برای توجیه دلایل متضاد با آگاهی تحقیقات بیشتری انجام شود. حتی اگر نتایج بستگی آمده در برای مدل‌های مورد آزمایش با هم سازگار باشد، باز هم همیشه این امکان وجود دارد که یک مدل آزموده نشده دارای سودمندی بیشتری برای پیش‌بینی باشد و این امر مؤید نتیجه معکوس از نظر سودمندی نسبی پیش‌بینی معیارهای مختلف سنجه مورد بحث است.
3- سومین مشکل از این جهت به وجود می‌آید که اخیراً اطلاعات حسابداری به عنوان متغیرهای تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. برای اثبات وجود رابطه بین معیارهای حسابداری و رویدادی که پیش‌بینی می‌شود دو دلیل می‌توان ارائه کرد.
الف - یک رابطه حقيقدی علیه بین معیارها و رویدادها وجود دارد.
ب - تصمیم گیرندگان چنین می‌پندارند که بايد یک رابطه علیه وجود داشته باشد و همین پنداشت کافی است تا رابطه موجود را آزمود. در تعیین‌کننده که در مورد اجازه صورت گرفته یا می‌گیرد بین نسبت‌های مالی و عدم توانایی شرکت در بازاریابی وام، از آن جهت رابطه‌ای قابل مشاهده است که یک رابطه علیه بین آنها وجود دارد. به عبارت دیگر یک نسبت پایین باعث انرژی درجه احتمال ناتوانی شرکت در بازاریابی وام می‌شود. ولی این نوع تحقیق حتی به علت باور بانکداران نیز بايد صورت گیرد زیرا بانکداری ممکن است از این نسبت‌ها به عنوان متغیرهای تصمیم‌گیری استفاده کند. فرضی امکان دارد بانک تسهیلات مالی کمتری به علت پایین بودن برخی از نسبت‌ها برای شرکت‌های قابل شود. یکی از مهم‌ترین مشکلات در تعیین میزان اعتبار، ناتوانی شرکت را در بازاریابی بدهی‌ها تشکیل می‌دهد. اگر مقامات بانکی مسئول اجرای سرمایه‌ای را در تعیین میزان اعتبارات به حساب نیاورند بکارگیری روش اقتصاد سرمایه‌ای تلقی کردن اجرای‌ها کاهش می‌یابد. هم می‌تواند در مورد افزایش بدهی قابل مشاهده است ولی، نمی‌توان اثر دلیل را تایید کرد.

۴- ارزیابی یا قضاوت در مورد سودمندی نسبی در پیش‌بینی احیاناً مستلزم در نظر گرفتن زیانی است که به لحاظ خطای پیش‌بینی رخ خواهد داد، که آن هم به نوبه خود مستلزم آگاهی از سایر متغیرهایی است که در الگوی تصمیم‌گیری وجود دارد. بدون این آگاهی نمی‌توان
قطعتاً در مورد برتری یک روش حسابداری به روش دیگر ابراز نظر نمود.

برای مثال فرض کنید که در یک تحقیق، نسبت ارزش فعلي بهدیه به دارایی با استفاده از روش سرمایه‌ای تلقی کردند اجاره به عنوان میزان ناتوانی شرکت‌ها در بازار اقتصاد وام مورد استفاده قرار گرفته و به درستی شرکت‌ها از نظر تووانایی پرداخت بدهی طبقه‌بندی شوند. اگر چه در این را به موفقیت نسبی سرمایه‌ای ویلی، این بیشتر مطرح می‌شود که آیا می‌توان چنیننتیجه‌گیری که روش سرمایه‌ای تلقی کردند اجاره روش بهتری است؟ از این چهاره، زیرا، ممکن است هنوز تحقیق با استفاده از روش هزینه تلقی کردند اجاره انجام گیرد و در طبقه‌بندی شرکت‌ها دچار اشتباك زیادی شود، اما در شناسایی شرکت‌هایی که واقعاً ورشکسته شده‌اند اشتباه امکان داشته باشد. در نتیجه زبان ناشی از طبقه‌بندی نادرست شرکت‌ها ممکن است کمتر از زبان ناشی از عدم شناسایی شرکت‌های که واقعاً ورشکسته شده‌اند باشد. بنابراین، ضروری است که عامل زیان قبل از ترجیح یک روش به روش دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بعلاوه، حتی اگر نسبت ارزش فعلي بهدیه به دارایی با فرض سرمایه‌ای تلقی کردند اجاره، هم در طبقه‌بندی شرکت‌ها و هم در شناسایی شرکت‌های ورشکسته کاملاً موفق باشد، بايد هزینه جمع‌آوری اطلاعات در این روش را نیز مقدار نظر قرار داد. زیرا هزینه جمع‌آوری اطلاعات در روش سرمایه‌ای به مراتب بیشتر از روش هزینه تلقی کردن اجاره می‌باشد. امکان دارد سرمایه‌ای تلقی نمودن به پیش‌بینی‌های بهتری منجر شود و لی با این می‌توان مدعي شده که این روش تا آن اندازه برتری دارد که بتوان هزینه‌های اضافي را تحمل کرد؟ پاسخ به این سؤال مستلزم یک تجزیه و تحلیل فروش ماهنگ بر مخارج است که آن هم به نوبه خود مستلزم آگاهی از تابع زیان می‌باشد. بنابراین، برای تصمیم‌گیری مبناخی دیگری نیاز است.

میزان اطلاعات اضافی در مورد مدل تصمیم‌گیری به تایید حاصل از تحقیقات است. در این دارد. امکان دارد بدون توجه به نوع تابع زیان میزانی سودمندتر از میزان دیگری باشد. در سایر موارد احتمالاً شکل کلی تابع زیان (متغیر خطی، منحنی، متناسب یا نامتقارن) را باید مشخص کرد. در مواردی که باید اطلاعات بیشتری نسبت به آنچه در مورد تابع زیان وجود دارد به دست آورده باید تحقیق برای انتخاب روش با میزان سودمند در پیش‌بینی احیاناً مؤید توسعه خطاهای پیش‌بینی برای یک از میزان‌ها می‌باشد و محقق باید بتوان بر اثر زیان
مورد نظر را از میان معیارهای انتخاب نماید. به‌هرحال محقق با ایده‌هایی که وجود‌آید این رابطه آگاه باشد و سعی کند که از تصمیم‌گیری بدون مدرک کافی، اجتناب نماید.

5- یافته‌های یک تحقیق در رابطه با معیار «سودمندی در پیش‌بینی» به‌روزداد مورد نظر بستگی دارد. حتی اگر یکی از معیارها نسبت به بقیه بهتر بتواند پیش‌بینی کند (مثل ناتوانی شرکت در بازار دادا و/or، آن معیار الزاماً برای پیش‌بینی مالی و/أ زی‌تر بهتر از بقیه عمل نخواهد کرد. برنی بررسی توان پیش‌بینی یک معیار باید تحقیقات پیش‌تری صورت گیرد. در اگر معیارهای مختلف برای هدف‌های مطلوب باشند آنگاه مسئله انتخاب معیار بر حسب نوع نیاز مطرح می‌شود. اگر این مسئله به وجود آید نمی‌توان به سادگی آن را حل کرد در عین حال بیان هدف‌های جنگ بعدی مستلزم ارائه راه حل‌های آزمایشی است.

نتیجه گیری

بحث بالا به دو نتیجه منتجه‌انجامد:

1- برتری یک روش حسابداری تناها در محتوای یک هدف خاص پیش‌بینی یا مدل پیش‌بینی تحقیق می‌باید. شاید نتوان در زمینه‌های گوناگون به معیاری دست یافتن که به نحوه کامل مطلوب، برتری یک روش را به روش دیگر مشخص کند.

2- حتی در یک زمینه خاص نتایج حاصل از تحقیق را با یکدیگر آگاهانه و آزمایشی به حساب آورد.

نتایج تحقیقات در تعیین یک معیار برای شناسایی روش‌های بهتر حسابداری امری بدبی‌است و چنین اجتناب نیست. ما تناها مشکلات بالقوه را بر شرایطی به منظور بودن آنها را می‌توان به تجربه دریافت، تا تناها به عنوان یک پیش‌فرض نکنیم. حتی این اهمیت تعیین دادن یک معیار برای مقاصد مختلف است و تناها امید دستیابی به چنین دانشی، مستلزم تحقیقات تکمیلی در این زمینه می‌باشد. اگر دریاپیم که معیارهای گوناگون برای هدف‌های مختلف به‌ترین

بررسی‌های حسابداری

50

هستند و اگر باور کنیم که هدف این مقاله تنها بحث معیار «سودمندی در پیش‌بینی» بوده است، دچار نوعی منجر شویم شد. ناتوانایی در تعیین (اگر چنین چیزی وجود داشته باشد) ضعف مدل انتخاب معیار «سودمندی در پیش‌بینی» نیست. این موضوع تنها بیانگر وضعیت نیست، ولی در هیچ حالتی نمی‌تواند موجب محکومیت منطقی روشنی گردد که تجلی گاه حقیقت است.

حتی در یک زمینه خاص، برتری یک معیار نسبت به معیار دیگر چیزی جز یک آزمایش نیست. معیاری که در زمینه‌ای خاص ضعیف عمل کند، را نمی‌توان رد کرد. زیرا امکان دارد با اندک تغییری که در آن معیار داده می‌شود، برتری آن معیار به اثبات برسد. چنین همیشه این امکان وجود دارد که یک معیار مجهول و ناشناخته یا نائز می‌گردد از معیاری که بهترین نحو آزموده شده است بهتر عمل کند. ارائه تئوری در زمینه‌های دیگر یک فایندا بر جنبش انقلابی است و در زمینه‌های صورت می‌گیرد که پیش فرض‌ها آنها متبا یا مورد تجربیات نظر قرار می‌گیرد. تغییری که در سایه وجود ندارد جدا بوده جدیدتر دارگون می‌شوند. 

با وجود این، اگاهی از وجود متغیر اهلی (معیارها) حائز اهمیت است و عدم توانایی در تعیین معیار و ماهیت آزمودنی آنها نباید به عنوان عوامل با‌دارند دیگر انجام تحقیقات تلقی شود. کشایی تحقیقات به دامنه داده‌های حسابداری با معیار سودمندی در پیش‌بینی در تصمیم‌گیری برای انتخاب روش‌های حسابداری و ارزیابی آنها یک امر ضروری است.

منابع و مانند


3- David Green, Jr. and Joel Segall, "The Predicive Power of First - Quarter Earnings Repots; A Replication", Empirical Research in Accounting;
Selected Studies, 1966 (Institute of Professional Accounting, Graduate School of Business, University of Chicago, 1967).

4- James Horrigan, "The Determination of Long-Term Credit Standing with Financial Ratios", Empirical Research in Accounting; Selected Studies, 1966 (Institute of Professional Accounting, Graduate School of Business, University of Chicago, 1967).


